

گناه

راه کارهای دوری از

سلسله مباحث

• موسیقی

عزیز الله حیدری

بسم الله الرحمن الرحیم

موسیقی

نویسنده:

عزیزالله حیدری

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

موسیقی

مشخصات کتاب

سرشناسه : حیدری عزیزالله ۱۳۳۷ - عنوان و نام پدیدآور : موسیقی / عزیزالله حیدری . مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری : ۴۸ ص. ؛ ۱۱ × ۱۷ س م. فروست : سلسله مباحث راه کارهای دوری از گناه شابک : ۲۵۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۵۹-۹ : وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : چاپ دوم : زمستان ۱۳۸۷. یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۹(فیپا). موضوع : موسیقی (فقه) موضوع : اسلام و موسیقی شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۱۹۴/۶ /ح۹م۸ ۱۳۸۸ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۴ شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۲۳۱۲۷

احکام مختصر و مفید موسیقی

درباره موسیقی گفتگوهای زیادی هست که بحث کارشناسانه وسیع می طلبد. امّا در جمع بندی نهایی توجّه شما را به معیارهای زیر درباره موسیقی که همگام با فتوای غالب علما و مراجع از جمله امام خمینی رحمه الله می باشد، جلب می کنیم.

موسیقی سه نوع است:

۱. مطرب؛

۲. غیرمطرب؛

۳. مشکوک.

موسیقی مطرب یا غنا حرام است و نشانه آن خروج از تعادل و توازن روحی و حتی جسمی است. چون موسیقی های حرام، حتی جسم را بی اراده به حرکت وادار می کند. از نشانه های دیگر آن ابتذال در محتوی (شعر) و فرم آن است و نشانه دیگر که بسیار کار را آسان می کند مطابق بودن نوع موسیقی با مجالس فساد و خوشگذرانی است که در اصطلاح فقهی لهو و لعب(۱) نامیده می شود.

قریب به تمام موسیقی هایی که خواننده های قبل از انقلاب و فراری های خارج از کشور که اکنون تحت عنوان نوارهای مبتذل پخش می شود، از آن نوع است.

در نوع دوم و سوم گرچه منعی نیست، امّا تشویق و ترغیبی هم نداریم، زیرا موسیقی در

نوع حلال آن هم پایی محکم برای رسیدن به حق و حقیقت نمی باشد.

پس موسیقی به طور کلّی نفی نمی شود، امّا می توانیم حرکتمان را از جایی دیگر شروع کنیم، یعنی هنگامی که برای صفای روح، عبادات، اعمال صالح، توسّل و نجوای صمیمانه با خدا، موسیقی قرآنی، اُنس با مدح و مراثی ائمه اطهارعلیهم السلام بستر اساسی اعتلای روحی است، دیگر موسیقی، پایی توانا برای رفتن نیست، چنانکه وقتی انسان اتومبیل سریع و راحتی برای رسیدن به مقصد دارد؛ از یک خر لنگ استفاده نمی کند.

یکی از بهترین و لذت بخش ترین نعمات بهشتی «سماع» (موسیقی) است که از طریق خوانندگان و هم از طریق ابزار موسیقی به گوش جان میهمانان خداوند در بهشت می رسد.(۲)

روایت ذیل نمونه ای از طرح و ترسیم چنین نعمتی در میان نعمات بهشت می باشد.

عاصم بن حمید از امام صادق علیه السلام سؤال می کند:

«...فدایت شوم می خواهم از شما سؤال بکنم، امّا خجالت می کشم!

حضرت فرمود: بپرس.

عرض کردم: آیا در بهشت «غنا» وجود دارد؟

فرمود: به درستی که در بهشت درختی است که خداوند به بادها امر می کند به آن بوزند، از این درخت اصواتی بلند می شود که خلایق تا کنون به زیبایی آن نشنیده اند.

سپس فرمود: (این نعمت) عوض ترک شنیدن موسیقی های حرامی است که مؤمنین از خوف خداوند در دنیا نموده اند».(۳)

یک پرسش و پاسخ

برخی که موسیقی مبتذل گوش می دهند، می گویند:

ما اصلاً تحت تأثیر قرار نمی گیریم و محتوای این ترانه ها در ما اثری ندارد!

جواب این است که:

اوّلاً) در حرام بودن این نوع موسیقی حالت شخصی معیار نیست، بلکه نوع افراد و یا همان کلّیت آدم ها مطرح است؛

ثانیاً) حرف این افراد مثل سخن خنده دار آدمی است که می گوید: این که می گویند آدم با

سیگار معتاد می شود، اصلاً معنی ندارد، من حدود پنج سال است روزی سه نخ سیگار می کشم و معتاد نشده ام.

این اشخاص متوجه نیستند که کاملاً وابسته شده اند، ولی غافلند.

برخی از آمار و گفته های بزرگان را در جزوه موسیقی مؤسسه «در راه حق» بخوانید.

موسیقی

دین جامع و مترقّی اسلام، سهم تمام اعضای انسان را در نظر گرفته؛ بنابراین گوش انسان نیز بهره ای دارد، پس شنیدن صدای خوب و آهنگ حرکت آب و چهچه بلبلان و پرندگان خوش صدا، منعی ندارد.

جالب توجه است که تأمین این نیاز تا بهشت ادامه دارد و امام رضاعلیه السلام می فرماید:

در بهشت درختی است که خدای تعالی بادها را می فرستد تا آن را حرکت دهند، پس از آن آوازی از آن درخت شنیده می شود که هرگز مثل آن را نشنیده و کسی که از غنا (موسیقی حرام) خودداری نکند، آن را نمی شنود.

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده اند:

آن کس که گوش خود را از غنا پر کند، آواز روحانیان را نخواهد شنید.

پرسیدند: یا رسول اللّه روحانیان چه کسانی هستند؟

پاسخ فرمود: خوانندگان بهشت.

جالب این است که حضرت داوودعلیه السلام، آقا و بزرگ تر خوانندگان بهشت است.(۴)

اما بین موسیقی و غنا تفاوت زیادی است.

با شناخت این موضوع، تفاوت و تنوع آن از نظر اسلام، مشخص شده و نوع غنایی آن معلوم می گردد که حرام است.

قرآن این نوع موسیقی (غنا) را حرام دانسته و به قول زور (قول باطل) توصیف نموده است.(۵)،(۶)

در آیه ای دیگر، غنا با عنوان لهوالحدیث یعنی گویش های غافل کننده، یاد شده است.(۷)

احادیث بیدارگر درباره ی غنا یا موسیقی حرام

۱. اولین کسی که غنا را به کار گرفت، ابلیس بود.(۸)

۲. امام باقرعلیه السلام فرمود:

غنا از چیزهایی است که خداوند به (گوش کننده آن) وعده آتش داده است.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

اهل خانه ای که در آن غنا استفاده می شود و نسبت به موسیقی حرام بی اعتنا هستند از سه بلا در امان نیست:

فاجعه (بلای ناگهانی)؛

اجابت نشدن دعاها؛

داخل نشدن فرشتگان در آن خانه.

۴. غنا

و موسیقی حرام زمینه ساز نفاق است.(۹)

۵. مردی به نام حسن می گوید: من در منزل خود هنگامی که به مستراح می رفتم، نشستن را طول می دادم تا صدای موسیقی غنایی که از خانه همسایه ام به گوش می رسید را بشنوم.

بعد از این کار، روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم؛ فرمود:

...ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤولاً

همانا گوش، چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد، گوش از آن چه شنیده، چشم از آنچه دیده و قلب به آنچه دل بسته و وابسته است.

۶. راوی می گوید: به امام رضاعلیه السلام عرض کردم، عبّاسی از شما نقل قول نموده که شما در موسیقی غنایی اجازه داده اید.

امام علیه السلام فرمود: دروغ گفته است او از غنا سؤال کرد و من جواب دادم، روزی شخصی نزد امام باقرعلیه السلام رفت و از غنا سؤال کرد.

امام علیه السلام به او گفت: فلانی! اگر خداوند متعال حق را در یک طرف و باطل را در طرف دیگر قرار دهد، غنا در کدام طرف خواهد بود؟

خودش گفت: در طرف باطل.

امام علیه السلام فرمود: خودت حکم نمودی.(۱۰)

شناختی مختصر از آثار موسیقی حرام از نظر علم و دانشمندان

اشاره

بی تردید در موسیقی استعداد مثبت و منفی وجود دارد. امّا موضوع بحث ما طرح معیارهاست، یعنی اگر موسیقی دارای ویژگی غنا و حرمت نبود، جایز است. روشن است که موسیقی با سلسله اعصاب انسان به سرعت وارد عمل می شود و موسیقی با دسی بِل و صدای بالا، تأثیرات مخرّبی دارد و می تواند ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک نماید.

برخی از امراضی که کارشناسان در موسیقی تشخیص داده اند عبارتند از:(۱۱)

۱ . مرض مانی(Manie) که نوعی جنون است؛

۲ . سیکلوتیمی: بیماری روانی فصلی با آثاری چون:

خنده؛

تُرشرویی؛

افسردگی

و غمگینی.

۳ . پارانویا: مرضی که شخص ادعاهای بی مورد کرده و خود را بالاتر از دیگران می داند؛

۴ . ضعف اعصاب؛

۵ . اختلالات دماغی (مغزی، هیجانات روحی، جنون)؛

۶ . حمله قلبی؛

۷ . انتحار و خودکشی؛

۸ . فشار خون؛

۹ . هیجانات فوق کنترل؛

۱۰ . سلب غیرت؛

۱۱ . فحشاء؛

۱۲ . تهییج عشق های بی حساب.

و... .(۱۲)

ویکتورهوگو

علت این که ما از موسیقی خوشمان می آید؛ این است که در عالم خیال ها و رؤیاها فرو می رویم.(۱۳)

دکتر ولف آدلر (از دانشگاه کلمبیا)

موسیقی علاوه بر آن که سلسله اعصاب ما را در اثر جلب دقت خارج از حدّ طبیعی، سخت خسته می کند، عمل ارتعاش صوتی ای که در موسیقی انجام می شود، تولید تعرق خارج از حدّ طبیعی در پوست می نماید که بسیار زیانمند است.(۱۴)

دکتر آلکسیس کارل

(فیزیولوژیست بزرگ فرانسوی، نویسنده کتاب انسان موجود ناشناخته و راه و رسم زندگی) می گوید: ساز و آواز و کنسرت ها و اتوموبیل ها و (حتی) ورزش (نمی توانند جای فعالیت ها و کارهای سودمند اجتماعی را بگیرند، رادیو نیز مانند سینما و موزیکال کاملی به انسان می بخشد که با آن سرگرمند، بدون شک ما را از پا در می آورد و سر و صدای نامناسب روحیه فرزندان ما را فلج می کند.(۱۵)

دکتر آرنولد فریدمانی (پزشک بیمارستان نیویورک و رئیس کلینک سردرد)

او با کمک دستگاه های الکترونیک تعیین امواج مغز و تجربیاتی که از هزاران بیمار به دست آورده ثابت کرده است، یکی از عوامل مهم خستگی های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی رادیو (رادیوهای غربی) است، مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت می کنند.(۱۶)

دکتر رُبرت (متخصص روانشناسی کودک در انگلیس) می گوید

اطفال در رحم مادر تحت تأثیر موسیقی قرار می گیرند و اگر مادر به موسیقی (نامناسب) گوش دهد، ضربان قلب طفل در رحم زیاد می شود.(۱۷)

جالب توجه است که بدانیم اکثر موسیقی دان ها دچار کوتاهی عمر می شوند، مثلاً موزارت، ۳۵ سال و شوبرت نوازنده اطریشی، ۳۱ سال عمر کردند و جالب است بدانیم بتهون آخرین کنسرت خود را در حالی اجرا نمود که کَر بود.(۱۸)

آثار موسیقی حرام در نگاه دین

۱. موسیقی نفاق می آورد و غیرت را می برد

در حدیث آمده: موسیقی نفاق را در قلب می رویاند، چنان که آب سبزه را می رویاند.

کسی که چهل روز در خانه اش بربط نوازند و مردم نیز بر او وارد شوند، شیطان اعضای خود را به تمام اعضای بدنش می مالد، پس غیرت از آن مرد زائل می شود، تا حدّی که اگر با زنش کار زشتی انجام دهند؛ بدش نمی آید.

در حدیثی دیگر می فرماید: حیاء از او گرفته می شود و از هر چه بگوید یا درباره اش بگویند، پروایی ندارد.

۲. موسیقی حرام برکت را می برد

فرشتگان در خانه ای که شراب و آلات موسیقی باشد، وارد نمی شوند و دعای اهل آن خانه مستجاب نمی شود و برکت از آنها برداشته می شود.

۳. استماع موسیقیِ حرام، از گناهان کبیره است.(۱۹)

۴. گوش کننده ی موسیقی حرام با روی سیاه، کور، کر و گنگ، محشور می شود.(۲۰)

یک حکایت عبرت آموز

نگارنده: خود شاهد این جریان بودم که:

زنی در همسایگی ما ترانه ای از یکی از خوانندگان مشهور دوران ستم شاهی را در ضبط صوت گذاشته بود و صدای آن

کاملاً به گوش می رسید که زن خواننده می گفت:

«غریب آشنا دوستت دارم بیا!»

بنده در منزل این همسایه را زدم، خانمی بد حجاب، جلوی در منزل آمد.

گفتم: لطفاً صدای این موسیقی را کم کنید.

با ناراحتی رفت.

هفته ی دیگر که به منزل مادرمان سر زدم، از خانه ی همان همسایه صدای دعوا و درگیری می آمد.

از مادر پرسیدم: چه خبر است؟

گفت: این ها همیشه دعوا دارند.

هفته دیگر که به دیدار مادر رفتم، مشاهده کردم که در منزل آن همسایه کشمکش و درگیری است.

از مادر سؤال کردم: چه خبر شده؟!

پاسخ داد: شوهر این زن به صورت ناگهانی به منزل خود آمده و مرد غریبه ای را در منزل دیده و... .

کار به طلاق کشید.

می بینید که این مضامین چگونه از گوش به هوش و سپس بر دوش انسان می نشیند، عاقبت شنیدن پی در پی «غریب آشنا!» به واقعیت پیوست.

پرسش ها و پاسخ ها

۱. اگر آهنگ های خوانندگان فراری یا خارجی را پیوسته گوش کنیم، امّا تغییری در ما ایجاد نشود، اشکال شرعی دارد؟

این سؤال از مراجع تقلید استفتاء شده و جواب دادند:

ملاک، نوع مردم (عموم) است نه شخص انسان.(۲۱)

شایان ذکر است که خیال می کنیم در ما تأثیر ندارد، مشکل ما این است که مانند فرد معتاد شده ایم و سم تمام وجودمان را گرفته است.

اعتیاد، ما را از درک آثار منفی باز می دارد، در حالی که خودِ عادتْ، رفتاری نادرست است.

ظریفی گفته است:

یک فرد سیگاری با بی خیالی می گفت: این که می گویند آدم به سیگار معتاد می شود، درست نیست. من هم اکنون فقط روزی سه عدد می کشم، ولی معتاد نشده ام!

۲. استفاده و نگه داشتن وسایل موسیقی برای خانواده چه حکمی دارد؟

این پرسش نیز از مراجع تقلید پاسخ گرفته و می فرمایند:

آلات لهو را باید از بین ببرید.(۲۲)

از این پاسخ روشن می شود که:

باید دید این وسیله چه مصرفی دارد، اگر مقاصد لهوی (مفسده انگیز) دارد، باید از خانواده و زندگی حذف شود.

۳. خواندن آواز توسط زن چگونه است؟ اگر شعر آن عرفانی باشد به چه صورت می باشد؟

خواندن زن فی نفسه اشکالی ندارد و شنیدن صدای او هم بی اشکال است. به پاسخ مراجع توجه فرمایید:

اگر اجرای موسیقی (کنسرت) به صورت ترجیع مطرب (غنا) نباشد و موسیقی که نواخته می شود، از نوع لهوی حرام نباشد، این امر فی نفسه اشکال ندارد.(۲۳)

در مورد گوش دادن به صدای زن هنگامی که شعر و غیر آن را با آهنگ بخواند و جوان یا غیر جوان باشد، چنین پاسخ داده اند:

اگر صدای زن به صورت غنا نباشد و گوش دادن هم به قصد لـذّت و ریبه (امکان به فساد افتادن) نباشد و مفسده ای مترتب نگردد، اشکال ندارد و فرقی بین موارد نیست.(۲۴)

پس ویژگی حرمت مخصوص صدای زن نیست، لـذا اگر شنیدن صدای زن حتی اگر قرآن و مرثیه بخواند و فردی به قصد لذت گوش کند، جایز نیست(۲۵) و زنان نیز باید از افشای صدای خود مانع شوند.

۴. ملاک و معیار حرام بودن موسیقی را روشن بیان نمایید؟

موسیقی مطلقاً حرام نیست.

حتی مرحوم شیخ انصاری قدس سره که منزلتی بس عظیم در علم و اخلاق و دینداری در بین علمای اسلام دارند؛ در کتاب مشهور مکاسب محرّمه، اصطلاح حرمت موسیقی را با قید «فی الجمله» به کار برده اند. فی الجمله، به معنای بخشی از موسیقی است نه تمامیت آن، در مقابلِ بالجمله که به معنای تمام و کل می باشد.

امّا ملاک ها عبارتند از:

- هماهنگی موسیقی با مجالس فساد و عیاشی طرب انگیز به طوری که فرد را به رقص وا دارد؛

- ابتذال در محتوی و شکل؛

در کلمات رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، موسیقی حرام چنین توصیف شده است:

آنچه انسان را به بیکارگی، ابتذال، بی حالی و افسردگی از واقعیت های زندگی بکشاند و نیز انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند

و به شهوترانی تشویق نماید.(۲۶)

۵. آیا موسیقی غیرمجاز که محتوای غربی ندارد، حرام است؟

موسیقی سنتی، کلاسیک، غیرمجاز و یا عناوین دیگر، معیار نیستند. باید به همان معیارها مراجعه شود که عبارتند از:

مطرب بودن؛

هماهنگی با مجالس فساد و عیاشی؛

خروج از توازن و اعتدال؛

ابتذال؛

واخوردگی از واقعیت های زندگی؛

باعث غفلت از:

معنویت؛

خدا؛

ذکر؛

و آنچه تشویق به هوسرانی می کند.

۶. نشستن در مجالس عروسی که موسیقی حرام استفاده می شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ این پرسش در فتاوای علما و مراجع چنین آمده است:

اگر موسیقی مطرب است، شرکت جایز نیست.(۲۷)

در مجالس معصیت نباید شرکت کنید.(۲۸)

شرکت در مجالس گناه حرام است.(۲۹)

شرکت در مجالس لهو و لعب جایز نیست.(۳۰)

گوش دادن به موسیقی لهوی حتی در مجالس عروسی جایز نیست.(۳۱)

اگر موسیقی مناسب مجالس لهو و عیاشی است، شرکت کردن جایز نیست.(۳۲)

شرکت در این گونه مجالس در صورتی که تأیید یا تشویق گناهکار باشد، جایز نیست.(۳۳)

۷. آیات قرآن بر اوزان موسیقی است و هارمونی خاصی دارد، چرا شریعت ما با این هارمونی و توازن مخالف است در حالی که در کلیسا با موسیقی ملایم آیات انجیل قرائت می شود و تأثیرگذاری آن بیشتر است؟

موسیقی قرآنی مورد قبول بوده و تشویق و ترویج هم می شود و شریعت هرگز مخالفتی با آن ندارد، و اصولاً شریعت چیزی جز محتوای قرآن نیست، شریعت عین قرآن است.

بله!

از آنجا که قرآن کلیات امور را می گوید، سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام (پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیهم السلام) به تفسیر و تبیین می پردازد و شریعت شکل می گیرد.

اشتباه از آنجاست که ما می خواهیم اشتباهات دیگران را سند جواز برای خود بگیریم، یعنی ما نمی توانیم روش منسوخ مسیحیان را ملاک و الگو قرار دهیم.

اسلام دین جدید و کامل است که ادیان دیگر را از مشروعیت ساقط نمود، به ویژه آن که ادیان مسیحی و یهودی و زرتشتی تحریف شده هستند.

در کلیساها انواع کارهای خلاف انجام می شود، مثلاً در مراسم عشاء ربانی نان در شراب زده می شود و به نام خون مسیح به خورد آدم ها می دهند! یا در جشن کریسمس زن و مرد اختلاط نموده و انواع گناهان انجام می شود! این کارها هرگز مورد قبول خداوند و اهل دین نیست، دین با هوس های ما جمع نمی شود.(۳۴)

در ضمن قرآن از چنان موسیقی زیبا و تأثیرگذاری برخوردار است که هرگز نیازی به موسیقی جانبی نیست و در اینجا جالب است که

به خاطرات افرادی که با صوت خالی قرآن به دین اسلام ایمان آورده اند مراجعه کنیم:

در فرودگـاه مصـر، یـک هواپیمـای آلمانی به خاطر ضـرورت پیش آمـده مجبور به توقف شـده بود، یکی از مسافران که یک موسـیقیدان آلمانی بود در سالن انتظار فرودگاه صدای تلاوت قرآن به گوشـش خورد، قدری که قرآن را اسـتماع کرد در وی چنان اثری گـذاشت که به جسـتجو برآمد و در نهایت اسـلام آورد، او اعتراف نمود که با همه آگاهی من به قواعد و اصول و دستگاههای موسیقی، هرچه فکر کردم، موسیقی قرآن را فراتر از این دستگاه ها یافتم.

کتاب «چرا مسلمان شدم» نشر مؤسسه در راه حق، حکایت گر بسیاری از این جاذبه هاست.

نکته مهم این است که اسـلام، هـارمونی و تنـاسب هر چیز را بـا فطرت یا همان ساختار باطنی انسان و نظم هستی در نظر دارد، اگر چیزی بـا این ساختار تناسب نداشـته باشـد، برای انسان در جامعه آسـیب ساز است، زیرا براساس بینش قرآنی جهان نظم و قانونمنـدی ویژه ای دارد و روابـط انسـان زمـانی به رشـد و کمال می انجامـد که با این نظم هماهنگ گردد؛ زیرا امروزه ثابت شـده است که رفتارهـای مـا، در تمـامی هستی اثر می گـذارد و دین عهـده دار تبیین این حقیقت است و رابطه انسان با خود و جامعه و با جهان و حاکم هستی را روشن می کند.

این دانش در توان علم، عقـل و وجـدان بشـری نیست. زیرا محدودنـد و حـال آن که وحی یعنی علم و دانش نامحـدود حاکم هستی است و به همین دلیل قرآن می فرماید:

علّمکم ما لم تکونوا تعلمون دین به شما چیزی را می آموزد که نمی توانستید بدانید.

یعنی در حوزه آگاهی شما نبود و به

همین دلیل خبر می دهد که کارهای بی حساب و دستاوردهای آدمیان در خشکی و دریا فساد آفرید.(۳۵)

بنابراین نظم و هارمونی در شریعت است و دریغ از ناآگاهی انسان.

۸. چگونه می توان فهمید یک موزیک حرام است؟

شایسته است در این باره آگاهی هایی داشته باشیم که در نظر عالمان دین معیارهایی داده شده که بسیار روشن است.

هرجا در اثر موسیقی، حسّ تشویق به ولنگاری، بی بند و باری، شهوترانی، میل به گناه و غفلت از خدا ایجاد بشود، با وجود این علائم معلوم می شود که این موسیقی حرام است.(۳۶)

آثار موزیک حرام، دو گونه است:

سریع؛

تدریجی.

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

فرشتگان به خانه ای که شراب و وسایل موسیقی و قمار در آن باشد، وارد نمی شوند و دعای اهل خانه مستجاب نمی شود و خیر و برکت هم از آنجا می رود.(۳۷)

امّا آثار سریع در موسیقی های جاز و تند، کاملاً واضح است؛ در چند گزارش می خوانیم:

وقتی دخترها و پسرها، آهنگ های تند و رعشه انگیزشان را سر می دهند سالن به لرزه می افتد، دخترها جیغ می کشند، به سر و گوش هم مشت می کوبند، موهای خود را چنگ می زنند و پسرها از هوش می روند.(۳۸)

در جریان کنسرت پرشور و شرِ گروه موزیک (ولینک استونز) مردی از شدّت هیجان برهنه شد و با حالت جنون آمیزی بر سر و کول خلایق به راه افتاد که توسط پلیس دستگیر شد.(۳۹)

در ایالات لیتل راک، خانم ۶۴ ساله ای به نام لیکیام، به جوانی پیانو می آموخت، نغمات موسیقی چنان در روح جوان ایجاد هیجان کرد که بدون دلیل برخاست و با ۱۹ ضربه چاقو معلم موسیقی را از پای درآورد.(۴۰)

در یک کنسرت موسیقی به دسته ای از جوانان برای اولین بار هیستری (که نوعی بیماری روحی است) دست داد، آنها بعد از برنامه

بیتلها به خیابان ها ریختنـد، اتومبیل ها را آتش زدند، شیشه های مغازه ها را شکسـتند و مغازه ها را غارت کردند و تعداد ۳۱۵ نفر از آنها از فرط هیجان غش کرده و به بیمارستان انتقال داده شدند.(۴۱)

۹. موسیقی حرام چه آثار سوئی بر جسم و جان دارد؟

هشدار!

شاید در این گونه پاسخ ها تصوّر شود، دین پیوسته دیوار می کشد و منع می تراشد!

در حالیکه چنین نیست!

یـک تحلیـل زیبـا از حالاـت انسان نشان می دهـد، انسان با درک نیازها (فردی، اجتماعی) به حرکت می افتـد و با این حرکت آزادی و رفاه را به دست می آورد و سـپس با رفاه به پوچی می رسـد، چون رفاه مادّی، پاسـخگوی ابعاد روح بی نهایت طلب انسان و به تعبیر فرانکل، معناگرا(۴۲) نیست.

پس با این پوچی چه باید بکند؟

چاره ای جز یافتن پناهگاه ندارد تا در سایه آن بیارامد، پناهگاه های وی عبارتند از:

۱ . هنر؛

۲ . انتحار و خودکشی؛

۳ . بی تفاوتی و بی خیالی؛

۴ . درونگرایی؛

اما «خودکشی» که در واقع پاک کردن صورت مسأله است.

«بی تفاوتی و بی خیالی» هم امکان نـدارد، چون فکر آدمی را رها نمی کنـد و به قول «هرمان هسه» در آدمی کسـی هست که همیشه بیدار است(۴۳) و «درونگرایی» نیز پاسـخگو نخواهـد بود. چون این نوع عرفـان ماننـد آن است که یـک کشتی به جای لنگر انداختن در بندر بخواهد به خود تکیه کند! و لذا دوباره نیاز به راه و نجات مطرح می شود.

اما «هنر» (چه در شکل صوت و موسیقی و چه در شکل تصویر یعنی نقاشی و سینما و تئاتر و چه در قصه و رُمان) دریچه ای به سوی مطلوب است و برای وضـعیت موجود کـاری نمی کنـد و این جاست که تنها «مـذهب» کارگشا می باشـد و دین با پیوند دادن انسان با معبودی بی نهایت و زیبا

و نزدیک و مهربان، بن بست را می شکند، پس چاره ای نداریم جز آن که قضاوت دین را بپذیریم.

بنابراین مقدمه، می گوییم موسیقی براساس نظر بسیاری از روانشناسان، احساسات بشر را در مسیر غیرطبیعی و غیرعادی توسعه می دهد و انسان را در یک عالم ناخودآگاه کامل فرو می برد و قوّه خیالبافی غیرطبیعی را در انسان زیاد می کند.

موسیقی قوه خیال را تحریک می کند و انسان از خیال های خود لذت می برد و بیماری روانی از همین جا شروع می شود که انسان در یک عالم گنگ فرو می رود که خود نمی تواند تعریف نماید.

۱۰. اگر موسیقی در ما تغییری ایجاد نکند، باز حرام است؟

اوّلاً) علما در پاسخ گفته اند: معیار، نوع مردمند نه آن که شخصی بگوید در من تأثیری ندارد.

ثانیاً) این وضعیت (عدم تأثیر) حاصل اعتیاد یا بی تفاوتی است، درست مثل کسی که آن قدر پزشک او داروی بتامتازون برای وی تزریق نموده بود که دیگر در او تأثیری نداشت!

ثالثاً) خود این بی تفاوتی یک خطر است، زیرا یک بدن سالم در برابر اولین بار سیگار کشیدن عکس العمل نشان می دهد و سرفه می کند!

شایان ذکر است که اگر به این مثال توجه کنیم، می بینیم چقدر حرف اشتباهی زده ایم.

بسیاری از افراد شرابخوار بعد از مدتی با شراب معمولی مست نمی شوند و یا معتادان حرفه ای احساس ارضا شدن با مواد مخدر مصرفی همیشگی شان ندارند، آیا می توان گفت: پس شرابخواری حلال است یا اعتیاد مورد تأیید است؟

چقدر خوب است به اسوه های دین خود روی آوریم و ببینیم تا چه حد از این پرتگاه ها فاصله می گرفته اند. مشهور است که علی علیه السلام فرمود: اگر قطره ای شراب در چاهی بیفتد و از آب آن چاه گیاهانی بروید و گوسفندانی زیاد از آن گیاهان بخورند، من از گوشت آن گوسفندان

نمی خورم!

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

شنیدن و استماع موسیقی قساوت قلب می آورد.(۴۴)

پس باید هشیار باشیم و برای مثال، هنگامی که احساس می کنیم دل ما به عبادت بی میل شده است، باید بدانیم که این مورد یک نمونه از آثار جبری موسیقی حرام است.

۱۱. گوش کردن به موسیقی حرام چه نوع گناهی است و توبه آن چگونه است؟

این مسأله به گناه گوش مربوط می شود، در احادیث آمده است که هر عضوی زنا می کند، مثلاً زنای چشم نگاه به نامحرم و زنای دست لمس نامحرم است.

امّا توبه از این کار شکل خاصی ندارد و فقط با ترک گوش کردن، حاصل می شود، البته اگر کسی برای تأکید توبه، نماز هم بخواند و استغفار کند، چه بهتر.

در نهایت لازم است درباره اهداف و مسائل دینی مطالعه کنیم و مقاصد بالاتر زندگی را جستجو نماییم تا زمینه بازگشت به گناه در ما خشکانده شود، زیرا انسان زمانی از گناه دست می کشد که جایگزین بهتری یافته باشد. چنان که علی علیه السلام می فرماید:

بزرگی خدا در دل های پرهیزکاران چیزهای دیگر را در چشم آنان کوچک نموده است.(۴۵) پس این عظمت خدا و عشق به او، مؤمن را بی اعتنا به تفریح های بی ارزش نموده است.

۱۲. چرا بعضی آهنگ ها که دل انسان را شاد می کند و انسان برای فرار از تنهایی و سردی زندگی به آن پناه می برد، حرام است؟ مگر شادی چیز بدی است؟

اوّلاً) هیچ وقت دین نگفته شادی چیز بدی است، در حدیث آمده است که مؤمن باید همراه با شوخی و مزاح باشد، یعنی حضور شیرینی داشته باشد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شوخی های سرور افزا گزارش شده است؛ در روایت های زیادی راه های دور نمودن حزن و غم نشان داده شده است که از جمله:

۱. نگاه به آب ۲. نگاه به سبزه ۳. نگاه به مناظر زیبا

حتی در احادیث توصیه شده که لباس چرکین نپوشید که غم را می افزاید، یعنی تبادل ماده و معنا، جسم و روح و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر تا این حد مدّنظر بوده است.

امّا آنچه اهمیت دارد این است که نباید برای به دست آوردن شادی از هر راهی و وسیله ای استفاده کرد، مگر می توان به

خاطر شادی از قرص های روان گردان

(اکستازی) استفاده کرد که ده ها زیان روحی و جسمی به دنبال دارد؟(۴۶)

ثانیاً) در بسیاری از موارد، ما توهّم شادی داریم، علامه جعفری رحمه الله می گوید: درست است که تحریک مثبت و تشجیعی را که موسیقی انجام می دهد ما را از موجودیت حقیقی خود با یک گروه نوسانات بالاتر می برد، ولی هنگامی که موسیقی تمام می شود، یک سرازیری حقیقی در خود احساس می کنیم و می بینیم که موسیقی سایه ای از ما برای ما ساخته و آن را بالاـ برده بود، اکنون شبح مصنوعی از بین رفته و واقعیات با همان خشونت برای ما نمودار می شود... خلاصه بایستی گفت: بشر از نظر کمبودی که در معرفت و توانایی مواجهه با واقعیت دارد، موسیقی را برای تسلّی خود تأیید می کند.

پس نام آن را ضرورت می گذارد به همین جهت است که اسلام به موسیقی روی خوشی نشان نمی دهد و می خواهد انسان ها از زندگانی روحی و طبیعی خود با واقعیات روبرو گردند.(۴۷)

امّا این واقعیت چیست؟

۱. در پرسش، از تنهایی و سردی زندگی نام برده شده در حالی که ما تنها نیستیم، تنها کسی است که اویی را ندارد. اوی مهربان، نزدیک، بخشنده، زیبا و آگاه، همان خداست که از رگ گردن به ما نزدیک است و هر وقت بخواهیم می توانیم با او اُنس بگیریم، حتی کسانی که گناهان زیادی کرده اند از طرف او طرد نشده اند و با مهربانی صدا زده است که ای کسانی که در حق خود اسراف نموده اید از رحمت خدا ناامید نشوید، خدا همه گناهان را می آمرزد.(۴۸)

پس با این توصیف ما جداییم و سردی زندگی از این جاست، چرا که خدا خود فرموده است، کسی که از ذکر و

یاد من روی برگرداند:

فان له معیشهً ضَنکاً

پس برای او زندگی تنگ و بسته خواهد بود.(۴۹)

آری!

این ندای اوست و انسانی که روی گردانید، با خویشتن نیز بیگانه می شود و در کوچه بن بست می ماند، ولی راه بسته نیست و باید بازگشت نماید.

هر کسی کو دور شد از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش و اگر بازگردد، زندگی سرشار از گرمی و نشاط خواهد شد.

بله!

در حدیث قدسی آمده:

اگر آنان که از من روی گردانده اند، می دانستند که چقدر در انتظارشان هستم از شوق می مردند.

۲. واقعیت دوم مسأله رنج هاست، که ما خیال می کنیم رنج نباید در زندگی باشد و حالا که هست دیگر باید به هر چیزی پناه ببریم تا رنج نبریم، و این اشتباهی بزرگ در دیدگاه ما نسبت به رنج است.

راه حل چیست؟

حقیقت این است که ما خود را فریب داده ایم و برای رنج، تسلیت های آبکی و ناپایدار ساخته ایم.

بزرگی می نویسد:(۵۰)

هیچ شده که شاهد تسلیت دادن ها و تسلّی ها باشی؟

هیچ دیده ای چه جمله ای تکراری و بی رمق حتی نفرت آور به کار می رود؟

غم آخر شما باشد!

این شتر بر در خانه همه می خوابد.

آی دنیای بی وفایی است!

ان شاء اللّه وضع بهتر می شود!

پایان شب سیه سفید است!

زمستان می گذرد و رو سیاهی به ذغال می ماند!

اصلاً دنیا در گذر است... و غیر تسلیم و رضا، کو چاره ای؟

این ها تسلیت های ماست، اگر آنها را دسته بندی کنیم، معلوم می شود از چه عواملی استفاده می کنیم:

۱ . کم نشان دادن درد و رنج؛

۲ . عمومی بودن رنج؛

۳ . گذرا بودن درد و رنج؛

۴ . امید دادن به وضع بهتر و سپیده فجر؛

۵ . تلقین ها و باد کردن ها و تزریق ها؛

۶ . تخدیرها و بی تفاوت بار آوردن ها؛

۷ . به فراموشی سپردن ها و از

غفلت و نسیان استفاده کردن.

این راه ها در نهایت، تلقین امثال پایداری و استقامت را تزریق می کنند در حالی که تو هنوز احساس نکرده ای و مقدماتش را نگذرانده ای و خیال می کنی که سدّ سِکَنْدر را شکسته ای.

این ها تسلیت های ماست که همه در روانکاوی و روانپزشکی به گونه ای از آن استفاده می کنیم و گره ها را می گشاییم و اگر این روانکاوی مؤثر نشد، بوسیله داروهای خواب آور و تخدیر کننده مریض را به بی خبری و بی خیالی می کشانیم و خواب می کنیم، تا توان و قدرتش را به دست بیاورد و سپس برپا بایستد.

یکی از همین روش ها، پناه بردن به موسیقی (به قول پرسش کننده) برای فرار از تنهایی و سردی زندگی و شادی کردن است!

این کار ماست تا غم ها را در زَرورق پیچیده و در نهایت، مائده های زمینی درست می کنیم و آن قدر سخت دروغ می گوییم که خودمان هم باور می کنیم که دنیا قشنگ است و این مثل دروغ اشعث (آن طماع، که خودش هم دروغش را باور می کرده) خودمان را هم به دنبال می کشد و توقع ما را بالا می برد، ولی همین که از خواب بیدار می شویم، می بینیم که نه بابا! هیچ آشی خیر نمی کنند و خوشی های دنیا، هنگام بلوغشان، ریش و سبیل ناخوشی در می آورند و پدر می سوزانند که خوشی چیزی جز ناخوشی نیست.

راه حلّ صادقانه چیست؟

واقعیت این است که زندگی چهار فصل است، کسی که مثل آندره ژید فقط بهارش را ببیند، دروغگوست.

دنیا چهار فصل است و در حرکت است و اگر دنیا هم ثابت بماند، این انسان ماندنی نیست، ترکیب و ساختار او حرکت آفرین است، نمی تواند با تکرار و با تنوع خودش را فریب بدهد، لازمه

حرکت جدایی است و لازمه جدایی و فراق، درد و رنج است.

این درد و رنج هم آفت انسانی است که زود دل می بندد و اُنس می گیرد.

این تسلیت ماست که غم را کم جلوه دهیم و خوشی ها را باد کنیم، ولی غم های انسان کم نیستند و کم نمی شوند. هر چقدر انسان آگاهی اش بیشتر بشود و رابطه ها را بیشتر ببیند (رابطه با خود، با جهان و جامعه و اثر کارها) مسؤولیتش را زیادتر می بیند و بارش را بیشتر و دردش را زیادتر.

وقتی انسان بفهمد که هر فکر و قلب خالی و هر روح خسته ای باید سرشار و پر بشود و با تو رابطه دارد و نمی توانید بی تفاوت بمانید، اینجاست که بار تو و درد تو تنها درد خودت نیست، درد نان و آب و آش نیست بلکه تو با همه وجود خودت و با همه ابعاد وجود دیگران پیوند داری.

پس مسئولی، پس در فشار و رنج می شوی و همراهِ درد و رنج.

با این دید، دیگر چه تسلیتی را می توانی بپذیری و چه دروغی را باور می کنی؟ (چگونه می توانی با چند آهنگ و موسیقی خودت را شاد کنی و اجاق دل را گرم نگاه داری؟!)

چگونه می توان نجات یافت؟

قرآن می گوید:

الم نشرح لک صدرک راه نجات، شرح صدر و ظرفیت است...

یعنی چه؟

بینش قرآن و تسلیت خدا این است، در برابر دردهای بزرگ و بارهای سنگین یک راه بیشتر نیست، آن هم زیاد کردن خودِ تو و باز کردن سینه تو و وسعت دادن به ظرفیت خویش است.

آنجا که نمی توان غم ها را کم کرد، باید ظرفیت ها را گسترده ساخت.

چگونه؟

یک ذکر و آگاهی رفیع لازم است که دیگر درد را نبینیم، یعنی

همراه درد و رنج احساس راحتی کنیم.

چنان که قرآن می گوید:

ان مع العسر یسراً

همراه هر سختی آسانی است.

یعنی در برابر هر رنج سه راحتی هست، سه آسانی هست دو تا همراه درد و یکی در پایان.

چون همراه رنج، انسان اوّلاً) به جریان افتاده؛

ثانیاً) ورزیدگی پیدا کرده؛

ثالثاً) در پایان هم بهره، پاداش و مزد دارد.

مثل کارگری که وقتی بارها را به دوش می گیرد دو خوشحالی همراه و هنگام گرفتاری دارد و یک شادی در پایان کار. زیرا وقتی بار را قبول می کند از بی کاری و رکود رها شده و همچنین با تحمل بار، ورزیده تر و نیرومند می شود و آخر کار هم مزد و پاداش دارد، چنین است که در قرآن سه بار این آیه تکرار می شود، دو بار «ان مع العسر یسراً»(۵۱) و یک بار «سیجعل اللّه بعد عسر یسراً»؛ یعنی به زودی خداوند بعد از سختی آسانی می آورد.(۵۲)

با این دیدگاه که در برابر هر سختی سه آسانی هست، دیگر بحران و ضعف اعصاب نمی ماند و این وجود با همین درد و رنج ها ساخته شده و قدرت می گیرد و نتیجه آخر این که، این رنج ها و دردها ضربه هایی است که آدم را از بت ها و معبودهای خیالی رها می کند.

پس کسی رنج می برد که این ذکر رفیع، این آگاهی بلند را ندارد.

کسی رنج می برد که خیال می کند (در این دنیا) برای خوشی آمده، امّا کسی که بداند وجود انسانی بیش از خوشی مایه دارد و استعداد و سرمایه های او برای مقصدی مثل خوشی ساخته نشده، دیگر به تکرار خوشی و تنوع قانع نمی شود و با این تخدیرها زندگی نمی کند و موسیقی و نوایی را می پسندد که او را

با این بینش بیشتر پیوند دهد و آگاهش کند.(۵۳)

پی نوشت ها

۱) بهتر است، توضیحی درباره لهو و لعب داده شود تا دیدگاه مترقی دین درباره موسیقی حرام آشکار شود.

لعب: اگر کاری به هدف صحیح و راست و درستی نبوده و نتیجه درست و ثابتی نداشته باشد، آن کار را لعب (بازی کردن) گویند. مثل کودکان که با هم جمع می شوند و با آب و گل کارهایی انجام می دهند که هیچ ثمری جز گذشت وقت ندارد.

لهو: هر کاری که بشر به وسیله آن از کار مهم و پر اثری بازماند آن را لهو (سرگرمی) گویند. مثل کودکی که سرگرم بازی بچه گانه شود و از درس بازماند و یا سرگرمی های دیگر که از کار آخرت و سرانجام اصلی انسان باز دارد. یعنی هر چه انسان را از خدا باز می دارد و به افکار شیطانی رهنمود می شود.

۲) کتاب تصویری از بهشت و جهنّم، ص ۲۶۹، اقتباس از بحارالانوار، مؤلف احمد حبیبیان.

۳) بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۱۹.

۴) نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰۶ و کافی و مجمع البیان به نقل از گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۲۷.

۵) سوره ی حج، آیه ی ۳۰.

۶) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۵.

۷) سوره ی لقمان، آیه ی ۶ و وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۶.

۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله.

۹) امام صادق علیه السلام.

۱۰) وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب غنا.

۱۱) کتاب بهشت و جوانان.

۱۲) این فهرست از نظرات علامه محمدتقی جعفری رحمه الله در کتاب بهشت جوانان، صفحات ۲۴۲ و ۲۴۳ نقل گردید.

۱۳) پموسیقی از نظر دین و دانش، ص ۳۰، بهشت جوانان، ص ۲۴۴.

۱۴) بهشت جوانان، ص ۲۴۵، به نقل از موسیقی و اعصاب و روان.

۱۵) همان.

۱۶) همان.

۱۷) همان.

۱۸) بهشت جوانان، صص ۲۴۹ - ۲۴۸.

۱۹)

امام رضاعلیه السلام.

۲۰) گناهان کبیره آیهاللّه شهید دستغیب رحمه الله، ج ۱، ص ۳۱۵ – ۳۱۱؛ به نقل از وسائل الشیعه.

۲۱) استفتائات آیهاللّه لنکرانی، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲۲) استفتائات آیهاللّه لنکرانی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲۳) استفتائات رهبر انقلاب، ج ۲، صص ۲۶ – ۲۴؛ یادآور می شود برخی فتاوی در این باره متفاوت است و برخی مراجع شنیدن صدای زن حتی بدون مفسده را هم اشکال می گیرند.

۲۴)

۲۵) استفتائات آیهاللّه فاضل لنکرانی، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲۶) روزنامه جمهوری، ۱۸/۱۱/۱۳۷۷ به نقل از کتاب بهشت جوانان، ص ۲۳۷.

۲۷) آیهاللّه بهجت.

۲۸) استفتائات آیهاللّه مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲۹) همان، ج ۲، ص ۲۳۴.

۳۰) آیهاللّه لنکرانی.

۳۱) آیهاللّه تبریزی.

۳۲) آیهاللّه سیستانی.

۳۳) آیهاللّه خامنه ای.

۳۴) در قرآن می خوانیم: «اگر حق و حقیقت می خواست پیرو هوی و هوس آدم ها شود، آسمان و زمین را فساد می گرفت»، سوره مؤمنون، آیه ۷۱.

۳۵) سوره روم، آیه ۴۱.

۳۶) استفتائات، رهبر انقلاب، ج ۲.

۳۷) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۵.

۳۸) بهشت جوان، ص ۲۴۶ و ۲۴۷، به نقل از: تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، به نقل از مجله روشنفکر، شماره ۵۵۶.

۳۹) بهشت جوانان، ص ۲۴۶.

۴۰) همان.

۴۱) همان.

۴۲) انسان در جستجوی معنا از ویکتورفرانکل.

۴۳) یکی از رمان های هرمان هسه به نام دمیان.

۴۴) وصایای رسول صلی الله علیه وآله، ص ۱۸.

۴۵) خطبه متقین یا همّام، نهج البلاغه.

۴۶) نتایج یک بررسی نشان می دهد در انگلستان بین ۸۰۰ هزار تا دو میلیون نفر و بیش از پنجاه هزار زن و مرد (که بخش عمده ای از آن دانش آموزان هستند) این دارو را تجربه کرده اند. «آمارها پرده برمی دارند، ص ۱۱۳، نوشته اصغر جدایی»

۴۷) بهشت جوانان، ص ۲۴۰.

۴۸) سوره زمر، آیه ۵۳.

۴۹) سوره طه، آیه ۱۲۴.

۵۰) کتاب تطهیر با

جاری قرآن، استاد صفائی حائری رحمه الله.

۵۱) سوره انشراح.

۵۲) سوره طلاق، آیه ۷.

۵۳) تطهیر با جاری قرآن، استاد علی صفایی، صص ۸۳ – ۷۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹